

جوانی

بیا تا خاطرات تلخ و شیرین جوانی را ،
به دست باد بسپاریم ،
و از نو ، دفتری دیگر برای آنچه در پیش است بگشائیم

جوانی پر ز لغزش های بد رنگ است !

جوانی دوره ی قهر و نیاز و مستی و جنگ است !

جوانی لحظه های عشق های نا هماهنگ است !

جوانی کور و بی رحم و بلا خیز است ،

جوانی عاقبت سوز است !

جوانی آبرو ریز است !

جوانی اوج خشم و شور و عصیان است !

جوانی مکر شیطان است !

در ایام جوانی ،

آرزوها چون هوسهای بهاری ،

رنگ وارنگ است !

و کار ما در این دوران ،

حدیث « شیشه و سنگ » است !

پس بهتر که آن دفتر فرو بندیم ،

و « طرحی نو در اندازیم ! »

و در این روزهای آخرین ،

دور از جنون های جوانی ،

زندگیمان را ز نو سازیم !

بیا ! دیر است ،

و پیری در کمین عمر بنشسته است !